

حق شفعه و مرور زمان در قانون مدنی مصر

۱۱۳ - بدهکاری که برای بعضی از بدهکاران دیگر عنوان تضامنی در دین را دارد نمی تواند بتهاتریکه میان طلبکار و یکی از بدهکاران حاصل شده است استناد نماید - در صورت اتحاد ذمه یعنی وقتی که طلبکار با یکی از بدهکاران که نسبت ببعض دیگر از بدهکاران وصف تضامنی دارد راجع بدین واحد در آن واحد هم داین و هم مدیون واقع شود هر يك از بدهکاران میتوانند باین اتحاد ذمه استناد نمایند ولی باندازه حصه که از دین مزبور مخصوص شریك آنها است .

۱۱۸ - اگر دین عین معین و حین التعهد متعلق بتمهید بوده و یا ملکیت آن بعد از وقوع تعهد بتمهید منتقل گردید متمهیدله میتواند نسبت بآن عین وضع بد نماید و نسبت بان احدی حق عینی نخواهد داشت .

۱۱۹ - تضمیناتی که نسبت بانجام تمام مورد تمهید یا جزء آن یا بتاخیر انجام آن قرار داده میشود نباید بیشتر از چیزیکه متمهید دریافت کرده است بوده باشد - مگر اینکه عدم انجام یا عدم وفاء تعهد ناشی از تقصیر متمهید شده باشد .

۱۲۰ - متمهیدله وقتی مستحق تضمینات مقرره میباشد که انجام تمهید را رسماً از متمهید خواسته باشد .

۱۲۱ - تضمینات عبارت است از:

(۱) مقدار خسارتی که بتمهیدله وارد آمده .
(۲) چیزیکه از کسب او ضایع شده بشرط اینکه ضیاع کسی ناشی از عدم انجام تمهید شده باشد .

۱۲۲ - باهیه این در صورتیکه عدم انجام تمهید ناشی از تدلیس متمهید نبوده باشد - متمهید ملزم نخواهد بود مگر به چیزیکه حصول آن عقلاً در موقع وقوع عقد ممکن بوده است .

۱۲۳ - اگر در عقد یا قانون مقدار تضمینی که باید متمهید در صورت عدم انجام مورد تمهید از عهده برآید تصریح شده باشد نمی توان به کمتر یا بیشتر از آن مقدار حکم صادر نمود .

۱۲۴ - هرگاه مورد تمهید مبلغی پول باشد - از روزی متمهیدله استحقاق منافع آنرا خواهد داشت که رسماً مطالبه

۱۱۴ - زمانیکه طلبکار ذمه یکی از بدهکاران متضامن را براء نمود سایر بدهکاران می توانند بقدر سهم کسی که براء ذمه او بعمل آمده است بان استناد نمایند مشروط بر اینکه براء ذمه عمومی نبوده باشد و اگر هم عمومی بوده بمعرض ثبوت نرسیده باشد - زیرا نمیتوان بوسیله ظن حکم ببراء ذمه نمود .

۱۱۵ - در صورتیکه یکی از بدهکاران متضامن دین سایر طلبکاران را اداء نمود و با بوسیله تهاتر و مقاصه وفاء دین کرد میتواند حصه هر يك از بدهکاران را از آنها مطالبه نماید و سهمیه هر يك از بدهکارانیکه حالت اعمار دارد بدیگران سرشکن می شود .

۱۱۶ - هرگاه وفاء بتمهید نظر باشیاء مورد تمهید بانظر بغرضی که از تمهید منظور است قابل تقسیم نباشند - هر يك از متمهیدین بانجام تمام مورد تمهید ملزم میشوند در صورت انجام آن میتوانند بسایر متمهیدین مراجعه نمایند .

۱۱۷ - هرگاه متمهید از انجام مورد تمهیدی که ملزم بشام کردن آن است امتناع نمود متمهیدله می تواند با اخذ تأمین لازم از متمهید عقد را فسخ نماید و یا برای انجام بقیه مورد تمهید تضمین لازم از متمهیدله مطالبه کند - و در هر صورت ممکن است خود متمهیدله با اجازه دادگاه بانجام عملی

کرده باشد مشروط باینکه خود عقد یا اصطلاح تجاری یا قانون بر خلاف این نباشند.

۱۲۵- راجع بمنافع طرفین عقد نمی توانند بزبادتر از صدی نه (۹٪) توافق نمایند.

۱۲۶- اخذ و مطالبه منفعت نسبت بمنافع حاصله جایز نیست مگر پس از انقضای مدت یک سال.

۱۲۷- با مراتب فوق باز ممکن است مقدار منافع تجارتی از محاسبات جاری بر حسب اختلاف نرخ جهات معامله مختلف باشند در اینصورت منافی که بر حسب عوائد تجارتی حاصل شده ضمیمه اصل سرمایه شود.

در تعهداتی که در قانون مدنی مصر بر توافق

متماقدین مرتب است

۱۲۸- کسی که دارای اهلیت نیست و با فاقد رضایت است اگر در ضمن عقدی انجام چیزی را تعهد نماید بانجام آن ملزم نخواهد بود.

۱۲۹- هرگاه اهلیت مقید ببعضی اعمال بوده باشد اهلیت مقید است و اگر شامل همه اعمال است آنرا اهلیت مطلق گویند.

۱۳۰- حکم اهلیت خواه مقید و خواه مطلق بمقتضای حالات شخصیه ملتی خواهد بود که شخص عاقد تعهد تابع آن است.

۱۳۱- فاقد اهلیت نسوان موجب بطلان عقد است ولو اینکه این عقد دارای ضرری هم نباشد - کسی که عدم اهلیت او موجب بطلان عقد شده باید فقط قیمت منافی را که از طرف دیگر عقد (که دارای اهلیت است) باو عاید شده باو بدهد.

۱۳۲- کسی از متماقدین که دارای اهلیت است نمی تواند برای ابطال عقد بعدم اهلیت طرف غیر اهل استناد کند ۱۳۳- رضایتی که ناشی از اشتباه یا اکراه یا ندلیس بوده باشد رضایت صحیح نیست.

۱۳۴- مشبه بودن موضوعی که معتبر در عقد است موجب بطلان رضایت است.

۱۳۵- اکراه موجب بطلان تعهد نخواهد بود مگر

در صورتیکه اشخاص ممیز با رعایت سن و یا از نظر فنی حالات و اینکه طرف عقد مرد است بازن مراتب تأثیر شدت آنرا احساس کنند.

۱۳۶- ندلیس وقتی موجب عدم صحت رضایت است که رضایت حاصله روی اعمال حیله و مکر از طرف دیگر بوجود آمده باشد باینمعنی که اگر اء از حیله و مکر مزبوره نبود رضایتی هم حاصل نمی شد.

۱۳۷- کسی که بدین توکیل از طرف او تعهدی بر علیه او بسته شده در رد و قبول آن تعهد مختار است.

۱۳۸- شرایط و تعهدات طبق منظور متماقدین تفسیر و تعبیر میشود در صورتیکه برای الفاظ مورد استعمال معنای لغوی موجود باشد این تفسیر با رعایت مقتضای نوع شرط و تعهد و عرف جاری بعمل خواهد آمد.

۱۳۹- تفسیر شرایطی که ابقاء یا تائید تعهد معلق بآنها است بهمین ترتیب خواهد شد.

۱۴۰- در صورت اشتباه تفسیر به منفعت متعهد میشود

۱۴۱- در عقود و تعهدات منفعتی نمیتوان تصور نمود بجز برای متماقدین مگر برای طلبکاران آنها زیرا طلبکاران بمناسبت حقی که بتمام اموال بدهکار خود دارند می توانند کلیه دعوی را که از هر گونه تعهدات او ناشی است باسم او اقامه دعوی نمایند غیر از دعوائی که مخصوص بخود او است.

۱۴۲- ضرر عقود و تعهدات فقط متوجه متماقدین است و ضرر غیر نمی توان با آنها استناد نمود مگر اینکه تاریخ آنها بطریق رسمی ثابت شود.

۱۴۳- طلبکاران در همه اوقات می توانند ابطال عملیاتی را که برای اضرار آنها از بدهکار صادر شده است بخواهند و همچنین می توانند نسبت به تبرعات و یا انصراف و اعراض از حقی که از او ناشی گردیده مدعی ابطال شوند.

در قانون مدنی مصر تعهداتی که از عملیات

متماقدین ناشی میشود از اینقرار است

۱۴۴- هر کس عمداً کاری کند که فایده دیگری در

آن است می تواند مخارجی را که برای آن کار نموده

الزامات قانونی در قانون مدنی مصر

- ۱۵۴ - الزاماتی که بموجب قانون برای شخص لازم است موجب ضمان او نمی شود مگر به مقتضای صریح قانون .
- ۱۵۵ - برای طبقات پائین و زن و شوهر آنها (مادامیکه رابطه زنا شوئی باقی است) واجب است نفقه طبقات بالا و زن و شوهر آنها .
- ۱۵۶ - همچنین طبقات بالا با اتفاق طبقات پائین و زن و شوهر آنها الزام دارند - زن و شوهر نیز با اتفاق بکدیگر ملزم می باشند .
- ۱۵۷ - در تعیین نفقه رعایت ضروریات واجب - النفقه و تمکن نفقه دهنده لازم است - در هر صورت نفقه اول ماه باول ماه قبلا پرداخته شود .
- انقضاء تعهدات در قانون مدنی مصر
- ۱۵۸ - تعهدات به یکی از جهات زیر منقضی می شود :
- (۱) انجام مورد تعهد .
 - (۲) فسخ تعهد .
 - (۳) ابراء ذمه متعهد از انجام مورد تعهد .
 - (۴) تبدیل تعهد بذمه دیگری .
 - (۵) تهاتر .
 - (۶) اتحاد ذمه .
 - (۷) سرور زمان .
- ۱ - انجام مورد تعهد
- ۱۵۹ - انجام تعهد بعهده خرد متعهد است مادامیکه کیفیت تعهد ظاهر در این باشد که صلاح متعهدله آن را ایجاب می کند .
- ۱۶۰ - هرگاه موضوع تعهد دادن وجهی باشد دیگری می تواند آنرا بپردازد ولو اینکه بدون میل و رضایت داین بامدیون هم بوده باشد .
- ۱۶۱ - کسی که قرض دیگری را می دهد میتواند بمقدار نادیه شده باو رجوع نماید و او نیز بواسطه فایده که

با خساراتی را که کشیده است از ذینفع مطالبه نماید - مشروط بر اینکه مقدار مصارف و خسارات از منافعی که بذینفع میرسد تجاوز نکند .

۱۴۵ - هرکس چیزی را که استحقاق آنرا نداشته است بگیرد باید آنرا پس بدهد .

۱۴۶ - هرگاه با علم بعدم استحقاق آنرا بگیرد اگر مفقود شد مسئول بوده و بتأدیه فوائده و ربح آن ملزم است .

۱۴۷ - اگر کسی بقصد اداء دین خود اختیاراً بدیگری چیزی بدهد که خود را ملزم بدان آن میدانند دیگر حق مطالبه آنرا نخواهد داشت ولو اینکه موجب قانونی هم نداشته باشد .

۱۴۸ - هرگاه کسی قرض دیگری را اشتباهاً بطلبکار او پرداخت و طلبکار هم باعتقاد اینکه از او طلبکار است آنرا گرفت و سند قرض از بین رفت دیگر نمیتواند برای اخذ آن به طلبکار مراجعه کند فقط می تواند آنرا از بدهکار اصلی مطالبه نماید .

۱۴۹ - در حالات مذکوره بالا الزاماتی که ناشی از عمل اشخاص است ضمانت آن ها را ایجاب نمی کند .

۱۵۰ - در حالات زیر التزامات ناشیه از اعمال اشخاص موجب ضمانت آنها است .

۱۵۱ - هر عملی که موجب ضرر غیر است فاعل آن بدادن عوض آن ضرر ملزم خواهد بود - همچنین ملزم است خساراتی را تأدیه کند که منشاء آن کسانی هستند که در تحت نظر او بوده اند و او از آنها مراقبت ننموده و با خسارات از افعال و عدم دقت و بی مبالائی آن اشخاص ناشی گردیده .

۱۵۲ - شخص مخدوم ملزم است بتأدیه خساراتی که از طرف خدمه و کارگران او در حین انجام وظایف خود بدیگری وارد میشود .

۱۵۳ - مستخدم یا صاحب حیوان را لازم است خساراتی را که از آن حیوان بکسی وارد میشود بدهد اعم از اینکه در تحت حیازت و یا رعایت او باشد .

است یا از طرف او در این باب وکالت دارد یا در شیئی موضوع تعهد حقی برای او موجود است.

۱۶۸ - وفاء بعهده و انجام تعهد باید بطریقی انجام شود که نوافق طرفین بر آن قرار گرفته - و در وقت و محلی که بین آنها تعیین گردیده بعمل آید - و دفعه واحده پرداخته شود - و قضاة می توانند اجازه پرداخت آنرا با اقباط یا بوعده مقتضی بدهند بشرط اینکه این اجازه موجب ضرر عمده بصاحب طلب نباشد.

۱۶۹ - محل انجام تعهد عملی است که عین ثبت مورد تسلیم در آنجا است مگر در صورتیکه خلاف آن عقد شرط شده باشد.

۱۷۰ - در صورتیکه مورد تعهد پول یا چیزهای مقبل باشد محل انجام و تسلیم آن محل اقامت شخص متعهد است.

۱۷۱ - هزینه انجام تعهد بعهده متعهد است.

۱۷۲ - در صورت تعدد دیون آنچه پرداخته میشود از بابت ذیل محسوب خواهد شد که خود مدیون تعیین می نماید - در صورت عدم تعیین از بابت ذیل محاسبه می شود که پرداخت آن برای مدیون نفع بیشتری دارد.

۱۷۳ - منافع و خسارات از روز قبل از دعوی تأدیه دین محاسبه میشود.

۱۷۴ - برای متعهد تنها با اینکه بمتعهد له اظهار کنند که برای انجام مورد تعهد حاضر است براءت ذمه حاصل نمی شود - بلکه پس از اظهار و امتناع متعهد له از قبول انجام عمل عوض خساراتی را که بر امتناع او مترتب است از او مطالبه نماید.

۱۷۵ - با همه مراتب بالا اگر مورد تعهد وجه یا مال منقول باشد در صورتیکه اظهار انجام تعهد اظهار حقیقی بوده باشد برای متعهد براءت ذمه حاصل می شود - مشروط بر اینکه حقیقی بودن اظهار با قوانین مربوطه به مراعات تطبیق نمایند.

۱۸ - بدیع تبریزی وکیل عمومی بدایت طهران

از نظر انجام دین عایدش شده ملزم بتادیه آن است.

۱۶۲ - در موارد ذیل تضمیناتی که در مقابل دین اصلی داده شده برای کسی که آنرا تأدیه نموده نیز تضمین خواهد بود:

(۱) طلبکار موقع اخذ طلب خود انتقال تضمینات را به دهنده آن قبول کند.

(۲) در موردیکه دهنده دین شخصاً در مقابل مدیون باده آن ملزم بوده یا دادن آنرا از طرف مدیون تعهد نموده باشد.

(۳) زمانی که دهنده دین خودش نیز طلبکار است و طلب کسی را که از جهت حق امتیاز یا رهن مقدم بر او است پرداخته - یا بهاء ملک را که در نزد طلبکاران دیگر رهن بوده و آنرا برای آنها خریداری کرده است تأدیه نموده باشد.

(۴) در مواردیکه قایم مقام واقع شدن دهنده دین از طلبکار در قانون تصریح شده باشد.

۱۶۳ - هرگاه قرض دیگری را بدون اراده و رضایت او پرداخت و بعداً از او مطالبه نمود مدیون می تواند از قبول تمام یا بعض از دین پرداخته شده را امتناع نماید - مشروط باینکه ثابت کند که صلاح او مقتضی این بود که از دادن آن طلبکار اصلی امتناع نماید.

۱۶۴ - شخص مدیون می تواند مقدار وجهی را که موضوع تعهد با آن مقدار انجام می شود از دیگری قرض کرده و چیزی را که در ازاء دین اولی تضمین داده است در مقابل این قرض تضمین قرار دهد.

۱۶۵ - برای صحت تعهد و انجام آن لازم است بدهکار اهلیت تصرف و طلبکار اهلیت قبول آن را داشته باشد.

۱۶۶ - اگر دین از طرف کسی که اهلیت تصرف ندارد داده شد دین بر طرف میشود مشروط بر اینکه استحقاق دفع دین را داشته باشد و نیز ضرری از دفع دین عاید او نشود.

۱۶۷ - دین باید بکسی داده شود که خود شخصاً طلبکار